

رویدادهای سویداء

(ترجمه)

سوال:

وبسایت آکسیوس گزارش داده است که در تاریخ ۲۵ جولای ۲۰۲۵، نشستی در سطح عالی در پاریس بین رون درمر وزیر برنامه‌ریزی استراتژی رژیم یهود و اسعد الشیبانی وزیر خارجه سوریه، با میانجی‌گری نماینده ویژه امریکا در امور سوریه، توماس باراک برگزار شده است. طی روزهای اخیر از تاریخ ۱۲ جولای ۲۰۲۵، شاهد شتاب‌گیری ناآرامی‌ها در ولایت سویداء واقع در جنوب سوریه بوده‌ایم؛ ولایتی که بیشتر ساکنان آن از طایفه‌ی دروز هستند.

رژیم یهود نیز دخالت خود را در امور این منطقه اعلام کرده و در کنار ادامه تجاوزاتش در سوریه، مناطقی چون اطراف کاخ ریاست‌جمهوری، وزارت دفاع، و ریاست اردو در دمشق را هدف حمله قرار داده است...

پرسش این است که واقعیت آنچه در ولایت سویداء در حال وقوع است چیست؟ رژیم یهود برای منطقه سویداء و جنوب سوریه چه نقشه‌ای در سر دارد؟ آیا امریکا از این طرح‌ها پشتیبانی می‌کند؟ و چه ارتباطی میان این تحولات و سخنانی که درباره گفت‌وگوهای عادی‌سازی روابط بین حکومت سوریه و رژیم یهود مطرح می‌شود وجود دارد؛ به‌ویژه دیدارهایی که در آذربایجان صورت گرفته‌اند؟ و همچنین دیدارهایی که در پاریس گزارش شده‌اند؟

جزاکم الله خیرا!

جواب:

برای روشن شدن جواب به سوالات بالا، ابتدا به بررسی نکات زیر می‌پردازیم:

۱. در مورد دروزی‌ها: تعداد دروزی‌ها در سوریه حدود ۷۰۰ هزار نفر برآورد می‌شود. آن‌ها در مناطق جنوب سوریه، به‌ویژه در سویداء ساکن‌اند. بخشی از آن‌ها نیز در لبنان زندگی می‌کنند که شمارشان حدود ۲۵۰ هزار نفر است. همچنین جمعیتی در حدود ۱۴۰ هزار نفر در شمال فلسطین و بلندی‌های جولان سکونت دارند. رژیم یهود به ساکنان مناطق اشغالی تابعیت خود را اعطا کرده و برخی از آنان را وارد صفوف خود کرده است. از همین رو، رژیم یهود از وجود این افراد به‌عنوان بهانه‌ای برای دخالت در سوریه بهره‌برداری می‌کند.

از پایان ماه فبروری گذشته، رژیم یهود تلاش‌هایی را برای تحریک دروزی‌ها در مناطقی مانند جرمانا و صحنایا نزدیک دمشق آغاز کرده بود. در رویدادهای اخیر سویداء که از تاریخ ۱۲ جولای ۲۰۲۵ شعلهور شد، رژیم یهود به‌صورت علنی اعلام کرد که از دروزی‌ها حمایت می‌کند و در تلاش است آن‌ها را ابزاری برای بهره‌برداری سیاسی و نظامی قرار دهد. در این راستا، گروه‌هایی از دروزی‌ها دست به خشونت علیه مسلمانان بدوی ساکن در ولایت سویداء زدند و صدها نفر از آنان را به قتل رساندند.

نتانیاهاو، نخست‌وزیر رژیم یهود، در تاریخ ۱۷ جولای ۲۰۲۵ در نطقی که از رسانه‌های تلویزیونی رژیم یهود و دیگر رسانه‌ها پخش شد، اعلام کرد: «ما سیاست روشنی اتخاذ کرده‌ایم: خلع سلاح منطقه‌ای که از جنوب دمشق آغاز می‌شود و از بلندی‌های جولان تا منطقه جبل‌الدروز امتداد دارد. این، خط اول ماست. اما خط دوم، حمایت از دروزی‌ها در منطقه جبل‌الدروز است.»

وزیر جنگ رژیم یهود، یسرائیل کاتس، نیز در تاریخ ۱۶ جولای ۲۰۲۵ در شبکه اجتماعی ایکس تهدیداتی را متوجه سوریه کرد و گفت: «اشارات به دمشق پایان یافته‌اند، اکنون نوبت ضربات دردناک است... اردوی ما با قدرت به عملیات در سویداء ادامه خواهد داد تا نیروهایی که به دروزی‌ها حمله کرده‌اند، به‌طور کامل عقب‌نشینی کنند.»

سخنگوی اردوی رژیم یهود نیز در همان روز در پلتفرم اکس اعلام کرد: «اردو همچنان اهداف نظامی وابسته به نظام سوریه را هدف قرار می‌دهد. دقایقی پیش، ریاست کل اردوی سوریه را در منطقه دمشق هدف حمله قرار داد.» در همان روز، رادیوی اردوی رژیم یهود اعلام کرد: «از شب گذشته تاکنون، حدود ۱۶۰ هدف را در سوریه هدف قرار داده‌ایم؛ بیشتر این اهداف در سویداء بوده‌اند و علیه نیروهای امنیتی سوریه و بادیه‌نشینان انجام شده است، و برخی دیگر نیز در دمشق، از جمله کاخ ریاست‌جمهوری، وزارت دفاع و ستاد کل اردو مورد هدف قرار گرفته‌اند.»

۲. به این ترتیب، رژیم یهود به‌صراحت اهداف و سیاست خود را اعلام می‌کند و روشن می‌سازد که از دروزی‌ها به‌عنوان ابزاری برای اجرای این سیاست در قبال سوریه بهره‌برداری می‌کند، به‌گونه‌ای که وانمود می‌سازد مسئله دروزی‌ها برای او مهم است، نه برای نظام سوریه، گویی می‌خواهد این منطقه را به‌صورت ضمنی از سوریه جدا کرده و بر آن چیرگی و سلطه‌ی مستقیم داشته باشد.

در حالی که رژیم یهود همواره در دوران نظام بشار اسد حملات متعددی را در سوریه انجام داده است، اما هرگز دروزی‌ها را به‌عنوان بهانه‌ی این حملات مطرح نکرده بود، بلکه حضور ایران و متحدان آن را دستاویز این تجاوزات قرار می‌داد. او مراکز نظامی متعددی را که متعلق به نظام سوریه یا ایران بود -که با نیروهای شبه‌نظامی‌اش از نظام سوریه حمایت می‌کرد- هدف حمله قرار داد. او حتی قونسولگری ایران در دمشق را بمباران کرد و تعدادی از فرماندهان نظامی ایرانی را به قتل رساند.

در روز ۸ دسامبر ۲۰۲۴ که بشار اسد از سوریه فرار نمود، رژیم یهود حملات سنگینی را طی چندین روز پیاپی آغاز کرد و صدها موضع نظامی سوری را هدف قرار داد. چون هیچ پاسخی دریافت نکرد و مقاومتی مشاهده نکرد، دچار طمع شد و تجاوزات خود را ادامه داد تا آنجا که پیشروی کرد و مناطق جدیدی از خاک سوریه را اشغال نمود، به‌طوری‌که تا فاصله‌ی حدود ۲۵ کیلومتری دمشق رسید و جبل‌الشیخ را اشغال کرد و نیز تفاهمات سال ۱۹۷۴ در خصوص آتش‌بس و جداسازی نیروها را نقض نمود.

هدف رژیم یهود این است که جنوب سوریه را به منطقه‌ای امن، عاری از سلاح و حائل تبدیل کند، و برای رسیدن به این هدف، از کارت اقلیت‌ها به‌ویژه دروزی‌ها بازی می‌گیرد.

۳. در پی این رخدادها، رئیس‌جمهور سوریه، احمد شرع، سخنرانی‌ای ایراد کرد که صبح روز ۱۷ جولای ۲۰۲۵ از تلویزیون سوریه و سایر شبکه‌های تلویزیونی عربی پخش شد. وی در این سخنرانی گفت: «ما میان دو گزینه قرار داشتیم: جنگ با رژیم یهود یا واگذاری میدان به بزرگان دروز برای رسیدن به توافق، و ما گزینه حفاظت از وطن را برگزیدیم.»

همچنین افزود: «رژیم یهود در تلاش بود آتش‌بس در سویداء را به شکست بکشاند، اگر میانجی‌گری آمریکا، کشورهای عربی و ترکیه نبود.» او دومین سخنرانی خود را در تاریخ ۱۹ جولای ۲۰۲۵ ایراد کرد که از طریق خبرگزاری رسمی سوریه و شبکه‌های تلویزیونی پخش شد. در این سخنرانی گفت: «دولت سوریه توانست وضعیت را آرام کند، با وجود اینکه اوضاع بسیار دشوار بود؛ اما دخالت رژیم یهود کشور را وارد مرحله‌ای خطرناک کرد که ثبات آن را تهدید می‌کند، چرا که حملات آشکار به جنوب و به نهادهای دولتی در دمشق شدت یافت. در پی این تحولات، میانجی‌گری‌های آمریکا و کشورهای عربی برای آرامسازی اوضاع وارد عمل شدند.»

او بر مداخله کشورهای دیگر، به‌ویژه آمریکا که حامی و پشتیبان رژیم یهود است، تکیه کرده است، گویی می‌خواهد برای آن‌ها راه و نفوذی به سوریه بگشاید!

۴. سپس رویدادها شدت گرفت و رابطه رژیم یهود با «حکمت الهجری» آشکارتر شد؛ به‌طوری‌که او کنترل کامل خود را بر فضای داخلی سویداء تحکیم کرد. تحت عناوینی همچون «انسجام داخلی طایفه» و «دلجویی از خانواده‌های شهدا»، شروع کرد به سرکوب صداهای مخالف خود، مانند صدای جربوع، بلعوس و حناوی.

با آنکه گروه حکمت الهجری بزرگترین گروه در سویداء است و بر سایر گروه‌ها سلطه دارد، اما صداهاى مخالف، مانند جربوع و بلعوس، به صداهاى ضعیف و کم‌اثر تبدیل شده‌اند که به‌زمره خواستار ادامه زندگى در چارچوب دولت سوریه‌اند، و هیچ نفوذى در میدان ندارند. در واقع، حکمت الهجری کسى است که درگیرى‌ها را شعله‌ور مى‌سازد. اوست که توافقات صورت‌گرفته با دمشق را زیر پا مى‌گذارد، و جریان وابسته به او، بر سویداء مسلط است. او بیانیه‌هاى خود را به‌نام رهبرى معنوى طایفه دروزى صادر مى‌کند، بی‌آنکه اعتناىی به مراجع دیگر مانند جربوع و حناوى داشته باشد. روشن است که او با رژیم یهود در ارتباط مستقیم است؛ چراکه پیش‌تر ده‌ها تن از دروزى‌ها را برای بازديد به رژیم یهود فرستاده بود.

حکمت الهجری در بیانیه‌اى که به نام ریاست معنوى دروزى‌ها صادر کرد، گفت: «ما از جهان آزاد و از همه قدرت‌هاى تأثیرگذار در آن مى‌خواهیم... و خطاب خود را متوجه فخامت رئیس‌جمهور (امریکا) دونالد ترامپ، نخست‌وزیر (رژیم یهود) بنیامین نتانیاهاو، ولیعهد (عربستان) شاهزاده محمد بن سلمان، و پادشاه (اردن) عبدالله دوم، و تمام کسانى که در این جهان صدایى و تأثیری دارند، مى‌کنیم... سویداء را نجات دهید.» (منبع: خبرگزاری آناتولى، ۱۷ جولای ۲۰۲۵)

در ادامه، رژیم یهود مرزهاى خود را به روی دروزى‌هاى ساکن سرزمین‌هاى اشغالی گشود تا بتوانند برای جنگ به داخل سوریه بیایند.

بر اساس گزارش شبکه RT در تاریخ ۱۹ جولای ۲۰۲۵، حدود ۲۰۰۰ نفر از طایفه دروزى، از جمله سربازانى که در اردو رژیم یهود خدمت مى‌کردند، در عرض یک روز اعلام کردند که قصد دارند به جنگ در سوریه ملحق شوند.

۵. شایان ذکر است که دولت دمشق خود را به‌عنوان ضعیف‌ترین حلقه در زنجیره بحران سویداء و جنوب سوریه تبدیل کرده است؛ چراکه در کنار سستی و کوتاهی‌اش در برابر تمام حملات نظامی‌اى که رژیم یهود علیه آن و علیه تسلیحاتش انجام مى‌دهد، این رژیم به‌راحتی وارد جنوب سوریه مى‌شود، مى‌کشد و بازداشت مى‌کند، گویی اصلاً دولتی وجود ندارد! این فقدان کامل واکنش از سوى دولت سوریه، بر اساس توصیه‌هاى اردوغان صورت گرفته است؛ کسى که حمایت خود را از درخواست رئیس‌جمهور امریکا مبنی بر پیوستن دمشق به توافقات ابراهیمی اعلام کرده بود. (روزنامه الشرق الأوسط، ۶ جولای ۲۰۲۵) اردوغان همچنین میانجی‌گر ارتباطات دولت احمد شرع با رژیم یهود در کشور آذربایجان بوده است.

به این ترتیب، دولت احمد شرع به حلقه‌اى بسیار سست در بحران سویداء تبدیل شده است. این دولت برای پایان دادن به درگیری‌ها وارد عمل شد، اما با خفت و خواری و تحت ضربات سنگین رژیم یهود از منطقه عقب‌نشینی کرد؛ ضرباتی که حتی ستاد اردوى سوریه را هدف قرار داد و تا نزدیکی کاخ ریاست‌جمهوری پیش رفت.

سپس، آمریکا و میانجی‌گری‌هاى موسوم به عربی و ترکیه‌اى وارد میدان شدند تا نیروهاى امنیتی سوریه بازگردند، مگر این‌بار نه از طرف اردو، بلکه از طرف وزارت کشور، یعنی تنها با سلاح‌هاى سبک.

اما روشن شد که این نیروهاى دولتی حتى وارد سویداء نیز نشدند، بلکه وظیفه‌شان تنها این بود که قبایل عرب را از ادامه حمله به سویداء بازدارند. یعنی آن‌ها در حاشیه ولایت سویداء باقی ماندند و به داخل آن وارد نشدند. جالب آنکه رژیم یهود نیز از آن‌ها همین را خواسته بود؛ یعنی جلوگیری از حمله قبایل به سویداء!

در تمام توافقاتی که صورت گرفت، این حکمت الهجری شورشى بود که توافق را نقض مى‌کرد و خواهان شرایط جدیدی مى‌شد، به‌گونه‌اى که دولت ناچار مى‌گشت توافق جدیدی تنظیم کند. در مدت یک هفته، چهارمین نسخه‌ی توافق به‌عنوان توافق نهایی مطرح شد!

دولت احمد شرع با انجام مذاکرات، افراد مسلح قبایل را از داخل سویداء خارج کرد، بدون آنکه خود وارد آن منطقه شود. سپس، دولت قبایل ساکن در سویداء را به خارج از ولایت کوچ داد و صدها خانواده مسلمان را از سویداء به مراکز اسکان در درعا منتقل کرد. حکمت الهجری نیز همین اقدام را انجام داد. چنان‌که در گزارش خبرگزاری آناتولى در تاریخ ۲۱ جولای ۲۰۲۵ آمده است: «درگیری‌ها در روز جمعه از سر گرفته شد، پس از آنکه گروهی وابسته به حکمت الهجری، یکی از

رهبران دروزی‌ها، اقدام به اخراج شماری از اعضای عشایر سنی‌مذهب بادیه‌نشین کرد و نقض‌های حقوقی متعددی علیه آنان مرتکب شد.»

این‌ها همه نشان می‌دهد که دولت جدید سوریه عملاً ثابت کرده که آمادگی دارد کشور را طبق دیکته‌های امریکا اداره کند، و مسیر آینده‌اش را سفیر امریکا در ترکیه و فرستاده ویژه امریکا به سوریه، توم باراک، برایش تعیین می‌کنند!

۶. با تأمل در رویدادهای سوریه روشن می‌شود که امریکا این کشور را بر اساس یک نقشه‌ی از پیش طراحی‌شده هدایت می‌کند؛ نقشه‌ای که اگرچه در دوران ترامپ شدت گرفت، اما از گذشته آغاز شده بود. به عنوان نمونه: رئیس‌جمهور امریکا، دونالد ترامپ، در دیدار خود با نخست‌وزیر رژیم یهود، بنیامین نتانیاو، در کاخ سفید، از او خواست که "مشکلاتش را با رئیس‌جمهور ترکیه، رجب طیب اردوغان، حل کند و عاقلانه رفتار نماید".

ترامپ در سخنان خود با خبرنگاران طی همین دیدار با نتانیاو گفت: «من رابطه‌ای عالی با مردی به نام اردوغان دارم. من او را دوست دارم و او هم مرا دوست دارد، و همین موضوع رسانه‌ها را عصبانی می‌کند.» او تصریح کرد که به نتانیاو گفته است: «من اردوغان را دوست دارم، اگر مشکلی با او داری، خودت آن را حل کن.» و تأکید کرد که: «بر اسرائیلی‌ها واجب است که با عقلانیت مشکلات خود را با ترکیه حل کنند.» (منبع: الجزیره، ۸ آوریل ۲۰۲۵)

سپس، «روز چهارشنبه، ترامپ در ریاض با رئیس‌جمهور موقت سوریه، احمد شرع، دیدار کرد. این دیدار نخستین دیدار از این نوع در طی ۲۵ سال گذشته بود، و در پی آن، ترامپ اعلام کرد که تحریم‌ها علیه دمشق لغو خواهد شد. دمشق از این تصمیم استقبال کرد و آن را یک "نقطه عطف راهبردی" خواند. سخنگوی کاخ سفید اعلام کرد که ترامپ از رئیس‌جمهور سوریه خواسته است که به توافقات ابراهیم با رژیم یهود بپیوندد.» (منبع: فرانس ۲۴، ۱۴ مه ۲۰۲۵)

بنابراین، با در نظر گرفتن این دیدار، لغو تحریم‌ها علیه سوریه و درخواست ترامپ از نتانیاو برای هماهنگی اقداماتش در سوریه با ترکیه، روشن می‌شود که ترامپ و دولتش برای سیطره کامل بر سوریه برنامه‌ریزی و اقدام می‌کنند.

۷. از مجموع این رویدادها به‌روشنی برمی‌آید که طرح آمریکا در سوریه بر پایه‌ای اساسی بنا شده و آن جایگزینی یک مزدور با مزدور دیگر است. برای تحقق این هدف، ترکیه را با چراغ سبز وارد میدان کرد تا نظام بشار را ویران کرده و نظام جدیدی وابسته به خود را بنا کند.

با وجود همه اظهارات سازش‌کارانه رئیس‌جمهور جدید سوریه، احمد شرع، که نشان‌دهنده‌ی پذیرش این جایگزینی است؛ از جمله کنار گذاشتن حکمرانی با اسلام، صرف‌نظر از محاکمه پیروان بشار و جایگزین کردن آشتی ملی به‌جای محاکمه در نهایت او وارد مذاکراتی پنهانی با رژیم یهود شد.

ابتدا در آذربایجان در تاریخ ۱۲ جولای ۲۰۲۵، به‌صورت پنهانی و سپس در پاریس، آن‌گونه که وب‌سایت آکسیوس گزارش داد: «نشستی در سطح بالا در پاریس برگزار شد میان رون درمر وزیر برنامه‌ریزی راهبردی رژیم یهود و اسعد الشیبانی وزیر خارجه سوریه، با میانجی‌گری فرستاده ویژه امریکا به سوریه، توماس باراک. این گفت‌وگوها که حدود چهار ساعت به طول انجامید. نخستین دیدار از این دست در طول ۲۵ سال گذشته بود و تمرکز آن بر کاهش تنش‌ها در جنوب سوریه، برقراری امنیت، و آتش‌بس بود.»

همچنین، دیده‌بان حقوق بشر سوریه از توافقی پرده برداشت که میان سوریه و رژیم یهود با میانجی‌گری آمریکا حاصل شده است. این توافق شامل هفت بند اصلی است که به آتش‌بس در جنوب سوریه، به‌ویژه در ولایت سویدا که از ۱۲ جولای شاهد تنش شدید بوده، مربوط می‌شود. بر اساس گزارش این نهاد: پرونده سویدا به‌طور کامل به مدیریت امریکا واگذار شده است، در سویدا، شوراهای محلی از میان ساکنان منطقه تشکیل خواهد شد تا وظیفه خدمات‌رسانی را به‌عهده گیرند، کمیته‌ای برای مستندسازی موارد نقض حقوق، تشکیل شده که گزارش‌های خود را مستقیماً به امریکا ارائه می‌دهد، خلع سلاح در ولایت‌های درعا و قتیطره صورت می‌گیرد، تشکیل کمیته‌های امنیتی محلی در این مناطق، بدون داشتن سلاح‌های سنگین مجاز خواهد بود. (منبع: آکسیوس – عین لیبیا، ۲۵ جولای ۲۰۲۵)

تمام این موارد نشان می‌دهد که امریکا در پی تبدیل جنوب سوریه به منطقه حائل و امن برای رژیم یهود است، و از تجاوزات پی‌درپی آن رژیم خشنود است، تا زمانی که نظام سوریه نیز تسلیم این شرایط شود و به عادی‌سازی روابط تن دهد. دیدارهایی که در آذربایجان و پاریس صورت گرفت، گام‌هایی پی‌درپی در همین مسیر هستند.

بر اساس افشاگری‌های رسانه‌ای، یکی از اصلی‌ترین موارد در حال مذاکره، ایجاد یک منطقه امنیتی حائل در جنوب سوریه به نفع رژیم یهود است، همانند منطقه‌ی حائلی که در سینا میان مصر و رژیم یهود طبق توافق صلح ۱۹۷۹ ایجاد شد و تاکنون نیز برقرار است؛ توافقی که مانع از آن شده است که مردم مصر به یاری برادران خود در غزه بشتابند، در حالی که آنان در معرض نسل‌کشی قرار دارند.

۸. سرانجام، این حقیقتاً درناک است که سرزمین شام، همان سوریه‌ای که رسول الله صلی الله علیه وسلم درباره‌اش در حدیث شریف (که طبرانی آن را روایت کرده) فرمودند: «**عقر دار الإسلام بالشام؛ مرکز و قلعه اسلام در شام است.**»

امروز به سرزمینی تبدیل شده که نظامی بر آن حکم می‌راند که از اسلام بیگانه است، و حاکم آن در دام وابستگی به امریکا و خواری در برابر رژیم یهود افتاده، بی‌آن‌که با آن بجنگد، بلکه در پی بستن توافق‌نامه‌های صلح با آن است و آنچه را می‌خواهد برایش فراهم می‌سازد؛ برای رضایت رژیم یهود و حامی‌اش امریکا تا آنجا پیش رفته که حتی جوانان حزب‌التحریر را – که دعوت‌کنندگان به برپایی خلافت راشد هستند – در زندان نگهداشته و آن‌ها را آزاد نکرده، فقط برای خشنودی امریکا و رژیم یهود؛ دشمنان خلافت و اهل آن. او گمان کرده که با راضی کردن دشمنان الله، می‌تواند نظام خود را حفظ کند!

او فراموش کرده یا خود را به فراموشی زده سخن رسول الله صلی الله علیه وسلم را که ابن‌حبان در صحیح خود از عروه از عایشه روایت کرده که فرمود:

«**من التمس رضا الله بسخط الناس، رضى الله عنه، و أرضى الناس عنه، و من التمس رضا الناس بسخط الله سخط الله عليه، و أسخط عليه الناس.**»

ترجمه: هرکس رضای الله را در برابر خشم مردم بجوید، الله از او راضی می‌شود و مردم را نیز از او راضی می‌گرداند؛ و هرکس رضای مردم را به قیمت خشم الله بجوید، الله بر او خشم می‌گیرد و مردم را نیز از او ناخشنود می‌سازد.

و در روایت ترمذی آمده:

«**من التمس رضا الله بسخط الناس كفاه الله مؤنة الناس و من التمس رضا الناس بسخط الله و كله الله إلى الناس.**»

ترجمه: هرکس رضای الله را در برابر خشم مردم بجوید، الله او را از زحمت مردم کفایت می‌کند و هرکس رضای مردم را به قیمت خشم الله بجوید، الله او را به خود مردم واگذار می‌کند.

با این حال، ما اطمینان کامل داریم که خلافت پس از این دوران سلطه‌گری جابرانه که در آن زندگی می‌کنیم، باز خواهد گشت. چنان‌که امام احمد در مسند خود از حذیفه روایت کرده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«**... ثم تكون ملكاً جبرية فتكون ماشاء الله أن تكون، ثم يرفعها إذا شاء أن يرفعها، ثم تكون خلافة على منهاج النبوة، ثم سكت.**»

ترجمه: ... سپس حکومتی جابرانه خواهد بود تا هر چقدر که الله بخواهد دوام آورد، و سپس آن را از میان خواهد برداشت. هرگاه بخواهد، آنگاه خلافتی بر منهج نبوت برپا خواهد شد. و سپس سکوت کردند.

همین روایت را طیب‌السی نیز در مسند خود آورده است. در آن زمان است که اسلام و مسلمانان عزت خواهند یافت و کفر و کافران خوار و ذلیل خواهند شد. و بشارت ده به مؤمنان:

﴿وَأُخْرَىٰ تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِّنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ ۖ وَبَشِيرُ الْمُؤْمِنِينَ﴾ [صف: ۱۳]

امیر حزب التحرر

۱ صفر ۱۴۴۷ھ.ق.

۲۶ جولای ۲۰۲۵م.

مترجم: عبدالله دانشجو